



مرکز مجاز امام صادق (ع)

اصول الفقه (اجتماع امر و نهی)

اشکالات و جواب ها

جلسه ۲۴۳

استاد نجار زاده

اشکال:

زمانی می‌توان مسئله‌ای را اصولی دانست که بنابر رأی تمام ارباب اصول، صغری برای کبرای عقلیه باشد؛ لذا در مورد اجتماع عنوانین، بحث از جواز و عدم جواز را نمی‌توان مسئله اصولی دانست؛ زیرا مورد مزبور، تنها بنابر رأی قائلین به امتناع، از مصادیق و صغریات کبرای عقلیه می‌باشد و همان طوری که بیان شد، طبق قول قائلین به جواز، صغری برای کبرای یاد شده نیست؛ در نتیجه مسئله مورد بحث، نباید از مسائل علم اصول باشد؛ در حالیکه چنین نیست.

جواب:

در اصولی قرار دادن مسئله‌ای از مسائل، اعم از آنکه در زمره مستقلات عقلیه بوده یا از غیر آنها باشد، لازم نیست که بنابر جمیع اقوال، صغری برای کبرای عقلیه باشد؛ بلکه همین قدر که بنابر یکی از اقوال، صغری برای کبرای مذکور قرار گرفت؛ می‌توان آن را مسئله اصولی دانست و مسئله ما در اینجا همین طور است؛ بلکه جمیع مسائل اصولی که قبلاً گذشت، اعم از مباحث لفظیه و عقلیه، به همین منوال می‌باشند؛ مثلاً تمام مباحث لفظیه، به منظور تنقیح و تشکیل صغری برای اصالة الظهور منعقد شده‌اند؛ با اینکه به عقیده اصولیین، همه مسائل این مباحث صغری برای کبرای مذکور نمی‌باشند؛ از جمله مسئله دلالت صیغه «افعل» است بر وجوب؛ چه آنکه بنابر رأی کسانی که صیغه «افعل» را مشترك لفظی یا معنوی بین وجوب و غیر آن می‌دانند؛ ظهوری در وجوب یا غیر وجوب

تذکر:

مسئله اجتماع امر و نهی از مسائل فقهیه، کلامیه و یا اصولیه لفظیه نمی‌باشد.



مرکز مجاز امام صادق (ع)

اشکال بر صاحب کفایه:

قول به جواز اجتماع، مبتنی بر یکی از دو رأی می‌باشد:

۱. متعلق احکام نفس عنوانات بوده نه معنونات.

۲. تعدّد عنوان مستلزم تعدّد معنون می‌باشد.

بنابراین مسئله، تعدّد معنون بواسطه تعدّد عنوان و عدم تعدّدش حیثیت تعلیلی در مسئله ما بوده و بنا بر احد الاحتمالین، از مبادی تصدیقه این مسئله محسوب می‌گردد نه آنکه خود این مسئله، محلّ اختلاف و مورد نزاع را تشکیل دهد.

و از اینجا ظاهر می‌شود که آنچه صاحب کفایه افاده فرموده و محلّ بحث و نزاع را به بحث از اینکه آیا تعدّد عنوان مستدعی تعدّد معنون بوده یا چنین نمی‌باشد ارجاع داده صحیح نیست.

صاحب کفایه فرموده‌اند:

اگرچه نزاع در این مسئله را در جواز اجتماع و امتناع آن قرار داده‌اند ولی در واقع مآل و مرجع این اختلاف به آن است که آیا تعدّد عنوان مستدعی تعدّد معنون است یا چنین استدعائی ندارد زیرا آنان که به جواز قائلند معتقدند که تعدّد عنوان مستلزم تعدّد معنون است و کسانی که به امتناع متمایلند رأیشان آن است که تعدّد عنوان مستدعی تعدّد معنون نیست پس در واقع اختلاف و نزاع در استدعاء و عدم استدعاء مزبور می‌باشد.

اشکال بر صاحب کفایه:

این فرموده صاحب کفایه مورد اشکال است زیرا استدعاء و عدم استدعاء محلّ نزاع نیست بلکه نزاع بر آن مبتنی می‌باشد به این معنا اگر به استدعاء قائل باشیم اجتماع امر و نهی را باید تجویز کنیم و در صورتیکه استدعاء را قبول نکنیم می‌باید به امتناع متمایل باشیم پس اختلاف بین قائلین بجواز و امتناع مبتنی بر استدعاء و عدم استدعاء می‌باشد و فرق بسیار است بین اینکه امری محلّ اختلاف و نزاع بوده یا نزاع بر آن مبتنی باشد و علی‌الظاهر مرحوم صاحب کفایه این دو را با هم خلط کرده.